

## تبیین مفهوم شناختی معیارهای زیباشناسی در منظر شهر\*

مهندس شبنم شاملو\*\*، دکتر فرح حبیب\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۰۶/۰۱

### چکیده

دستیابی به رویه پایدار زندگی روزمره شهری، به طور مستقیم به منظر شهر<sup>۱</sup>، زیبایی و توان خلاقانه فضاهای مطلوب آن مرتبط است. منظر شهر بر زندگی مردم، نظم روحی و عقلانی فضاهای عمومی شهر جهت مواجهه با نیازهای مردم، از نیازهای روانی و زیباشناسانه شهر تا خلق محیط مورد نیاز تأثیر می‌گذارد. منظر شهر سیستمی زنده است که تجمع جریانات پیچیده، ساختارها، ارتباطات و مالکین آن را شکل می‌دهند. به منظور دستیابی به محیطی سالم، امن، مناسب و زیبا، باید به منظر شهر از لحاظ زیباشناسی توجه اساسی نمود. هدف این پژوهش بررسی خصوصیات و کیفیات منظر شهر، تبیین معیارهای زیباشناسی در منظر شهر، دسته‌بندی نظریات زیباشناسی منظر شهر و در نهایت ارائه عناصر و کیفیت‌های منظر شهری زیبا بوده است. در راستای دستیابی به این هدف، از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داده است که منظر شهر جنبه عینی یا قابل ادراک محیط است که به نوبه خود واجد فرم، عملکرد، معنا و بالاخص زیبایی است.

### واژه‌های کلیدی

منظر شهر، زیباشناسی شهری، معیار، طراحی منظر شهر

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری شبنم شاملو تحت عنوان «تبیین و ارائه اصول منظر خیابان در شهر ایرانی» است که به راهنمایی دکتر فرح حبیب در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات در حال تدوین است.

\*\* دانشجوی دکتری تخصصی شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات).  
Email: shabnamshamlou@gmail.com

\*\*\* دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

## مقدمه

سرزنده، و زمانی که خیابان‌های شهر زشت و خسته کننده باشد، آن شهر ملال آور به خاطر آورده خواهد شد (Jacobs, 1961). منظر شهر که عینیت حاصل از شکل شهر است، نمادی محسوب می‌شود که ارزش‌های فرهنگی و ایده آل‌ها را به طور کالبدی باز می‌نمایاند و از طریق شکل شهر سنت‌های فرهنگی، واقعیات زندگی و تجربیات شخصی به هم متصل می‌شوند (حبیب، الف، ۱۳۸۵).

اهمیت جنبه بصری شهر بر آن است که امکان «قرائت» محیط را به مثابه یک «متن» فراهم می‌آورد. تنها در آئینه محیط بصری و منظر شهر است که ابعاد ناملموس حیات مدنی، همچون فقر و غنا، سلطه نهادها و ارزش‌های معین، سلاقی زیباشناختی خرده فرهنگ‌ها، عمق تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، چگونگی احترام جامعه به قراردادهای اجتماعی را از طریق نظامی از «نشانه‌ها» امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی مثبت و یا منفی را میسر می‌سازد (گلکار، ۱۳۸۷).

هنر منظر شهر به عنوان ابزاری جهت ارتقای کیفیت محیط و جذب اقبال خلاق، و نهایتاً بالا بردن توان اقتصادی شهرها مطرح گردیده و اهمیت می‌یابد. در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از روش‌های «مهندسی ارزش» ثابت گردیده است که طراحی منظر شهر «خوب» می‌تواند ارزش افزوده مشخص و قابل اندازه‌گیری «اقتصادی»، «اجتماعی» و «محیطی» برای طرح‌های عمرانی و ساخت و سازهای شهری به همراه داشته باشد (Cabe & Detr, 2001).

هدف این پژوهش بررسی خصوصیات و کیفیات منظر شهر، تبیین مفهوم شناختی معیارهای زیباشناسی منظر شهر، دسته‌بندی نظریات زیباشناسی منظر شهر و در نهایت ارائه عناصر و کیفیات منظر شهر زیبا است. در این مطالعه، نخست مفهوم «منظر شهر»، خصوصیات، عناصر و کیفیات منظر شهر و نیز معیارهای درک نما و ظاهر منظر شهر مورد اشاره قرار گرفته است؛ سپس به تعریف «زیبایی»، «زیباشناسی» و ماهیت «زیباشناسی منظر» پرداخته شده است؛ آن‌گاه مکاتب فکری تجربه زیباشناسی منظر شهر، نظریات زیباشناسی منظر شهر، توجه به لذت، زیبایی و تعالی در زیباشناسی منظر شهر و زیباشناسی در پیوند با محیط و منظر شهر بررسی گردیده و پس از آن مظاهر زیبایی شهر و معیارهای زیبایی منظر شهر به تفصیل مورد کاوش قرار گرفته و در نهایت مجموعه عناصر و کیفیات منظر شهری زیبا در قالب جدولی نتیجه‌گیری شده است.

## روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر ترکیبی از روش تحقیق تحلیلی و توصیفی و روش تحقیق استنادی است بدین ترتیب که به منظور بررسی معیارهای زیباشناسی در منظر شهر، ابتدا معانی و مفاهیم منظر شهر، زیبایی و

ریتم روزانه زندگی بشر توسط بار بیش از حد و عمیق کلمات، اعداد و تصاویری که در کل متجاوز از ظرفیت گیرنده‌های حسی است، قالب‌بندی می‌شوند. این انعکاس یک زمزمه ضعیف از گذشته و یک ماهیت زودگذر است. به دلیل تأثیرات شدید شهرسازی، ادراک، استفاده و مدیریت چشم‌اندازها و مناظر شهری در یک جریان جدی قرار دارد. شهرسازی همگام با فن‌آوری و اقلیم، از عوامل معاصر تغییر چشم‌انداز است، بنابراین باید به محیط شهری به عنوان یک زیستگاه اصلی برای ادامه یافتن سلامت و رفاه مردم توجه نمود.

اگر تصور شود در طراحی محله‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها، جاده‌ها، بزرگراه‌ها و خطوط حمل و نقل ریلی که از ۵۰، ۶۰ سال پیش ساخته شده‌اند ظرایف زیباشناختی لحاظ می‌گردید، اکنون چگونه دنیایی وجود داشت! چگونه وضع به این صورتی که هست در آمد و در حال حاضر چه می‌توان کرد؟ خانه‌های درهم و برهم، شهرهای بیمار و مناظری که با دستکاری‌های بشر خراب شده و از پا در آمده‌اند (مک‌هارگ، ۱۳۸۶).

عناصر تصویری منظر شهر نه تنها ارزش‌های زیباشناختی دارد بلکه روابط طبیعی این ارزش‌ها را در ابعاد بیولوژیکی اقتصادی و فرهنگی تصدیق می‌کند. امروزه، ارزیابی کیفیت تصویری در جمع‌آوری داده‌های مورد استفاده برای برنامه‌ریزی تحقیقاتی اهمیت فراوانی دارد. اهداف ارزیابی کیفیت تصویر عبارتند از تعیین این که آیا یک منظره به صورت زیباشناختی متناسب است یا خیر، تشریح و تعیین عوامل خاص و عناصر مناظر کالبدی که بر ترجیحات نواحی خاص اثرگذار است. مناظر تصویری شهر باید منابع طبیعی مهمی تلقی شوند؛ دقیقاً مثل آب، خاک، معادن و سوخت‌های فسیلی. به منظور تداوم، توسعه و حفظ ساختار فرهنگی و طبیعی، ضرورت دارد که ساختار مناظر را تشریح کرده و برخی از تحلیل‌ها را با توجه به اهمیت تصویری آن‌ها انجام داد (Bulut & Yilmaz, 2008).

شهرهای برخوردار از منظر شهر زیبا قادرند با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم ساخته و با اعتلا بخشیدن به وجهه شهر در سطح ملی و بین‌المللی، توان رقابتی شهر را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه به اقبال خلاق تقویت نمایند (گلکار، ۱۳۸۷).

شاید یکی از موزج‌ترین و در عین حال دقیق‌ترین عباراتی که در وصف اهمیت منظر شهر زیبا ارائه گردیده است، گفته جین جیکوبز باشد؛ وی می‌نویسد: «به شهر می‌اندیشید و چه چیز به خاطر خواهد آمد؟ خیابان‌های آن! هنگامی که خیابان‌های شهر زیبا و جالب باشد آن شهر

منظر شهر به عنوان «یک منطقه، دیده شده توسط مردم، که ماهیت آن نتیجه کنش و برهم کنش عوامل طبیعی و یا انسانی است» تعریف شده است. این چشم انداز توسط رانندگان اتومبیل و افراد پیاده به صورت متفاوتی دیده می شود. دید مخروطی شکل افراد پیاده وسیع تر از رانندگان است و فاصله روانشناختی میان فرد پیاده و چشم انداز کوتاه تر است. (Garré & Meeus & Gulinck 2009)

منظر بخش متجلی و ملموس فرم است که در آن تبلور بصری، کارکردی و معنایی چیزهایی که فضا را شکل می دهند، دیده می شود. این لغت بر بازتاب معنی دار ترکیب عناصر و عواملی دلالت می کند که خارج از تأثیرات ذهنی ناظر وجود دارند (بهزادفر، ۱۳۸۲).

منظر شهر بخشی از شکل شهر است که ناظر آن را دریافت می کند. به عبارتی شکل شهر در لایه منظر شهر به کیفیتی مستقیماً محسوس تبدیل می شود؛ یعنی منظر شهر عینیت قابل ادراک و فضای مورد ادراک ما از واقعیت موجود شهر پیرامونمان است (حبیب، ب ۱۳۸۵).

آن بخش از محیط یا فرم شهر است که بر روی کنش و واکنش شخص و نتایج اعمال وی مؤثر است. در منظر شهر است که بخشی از اطلاعات محیط بالقوه به کیفیتی کاملاً محسوس (یا اطلاعات بالفعل) تبدیل می شود (پاکزاد، ۱۳۸۸).

هر گونه ادراک زیبایی و هویت شهر بر پایه ارتباط یا مشاهده یا تصور کلیت یا بخشی از شهر استوار است، و منظر شهر مشتمل بر چشم اندازی است که در مقابل ناظر قرار می گیرد (نقی زاده، ۱۳۸۶).

### کیفیات منظر شهر

منظر شهر، پدیده ای است که خود را به صورت عینیتی قابل ادراک، به استفاده کنندگانش می نمایاند. اطلاعات ارسالی از منظر شهر فقط اطلاعات کالبدی و بصری نیستند، بلکه اطلاعاتی هستند که توسط کلیه حواس ادراک می گردند. لذا منظر یک فضای شهری، کلیه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می گردند، اطلاعاتی از فرم، عملکرد و معنای فضا. لازم به تأکید است که مطالعه، برداشت و ثبت عناصر منظر در راستای شناسائی فرم، عملکرد و معنای موجود انجام می پذیرد. زیرا ارزیابی امکانات و محدودیت های آنها امکان نیل به اهداف تعیین شده را فراهم می سازد. چگونگی عناصر و چگونگی رابطه بین عناصر (سازمان فضایی) منظر شهر واجد کیفیت هایی است که می توان به طور خلاصه در گروه های ذیل دسته بندی نمود:

کیفیت های فضایی: کیفیت هایی که یک فضا به عنوان یک منظومه ارائه می دهد.

کیفیت های ناشی از میزان سازگاری میان مؤلفه ها: نسبتی که بین

زیباشناسی منظر شهر با استفاده از روش توصیفی و مراجعه به متون، تعریف و تدقیق شده و سپس با رویکردی تحلیلی - توصیفی به مطالعه مظاهر زیبایی شهر و معیارهای زیبایی منظر شهر پرداخته شده است. همچنین، معیارهای زیباشناسی در منظر شهر مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته و در نهایت یافته های نهایی به صورت چارچوبی نظری تدوین و به سرانجام رسیده است.

### مفهوم منظر شهر

در رابطه با مفهوم منظر شهر، تعاریف متعددی وجود دارد که یا بر اساس جنبه عینی منظر و در ارتباط با فرآیند ادراک محیط مطرح گردیده است و یا اینکه علاوه بر جنبه عینی منظر، وجوه دیگری نیز برای منظر قائل گردیده است که در ذیل به برخی از این دیدگاه ها پرداخته شده است.

طراحی منظر شهر، هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان ها، خیابان ها و مکان هایی که محیط شهر را می سازند و هنر یکپارچگی برقراری ارتباطات بین اجزای مختلف سازنده کالبد شهر است. منظر هر شهری پاسخی به رفتارهای انسانی، وضعیت آب و هوایی، عوامل ایمنی و به بیان دیگر مداخله های ماهرانه در چارچوب افزایش توانایی های محیط است. برداشت هر شخصی از منظر شهر متأثر از حس بینایی، حس مکان و محتوای محیطی است که فرد در آن قرار می گیرد (کالن، ۱۳۸۲).

منظر شهر تأثیر کلی و جامعی است که ناظر به هنگام دیدار و یا زندگی در شهر یا بخشی از آن بدست می آورد و سیما یا تصویر ذهنی از شهر، طرح واره ای ارزش گذاری شده در ذهن فرد از منظر شهر است (بینچ، ۱۳۸۱).

منظر شهر سازگاری و یگانگی یک سری عناصر طبیعی و فرهنگی در یک منظره خاص است. عناصر فرهنگی و طبیعی مناظری را تشکیل می دهند که یک ارزش بصری را چه به صورت جداگانه و چه به صورت ترکیبی ارائه می کند. در یک چشم انداز و منظره طبیعی، گاهی عناصر طبیعی و گاهی عناصر فرهنگی برجسته تر است (Bulut & Yilmaz, 2009).

منظر شهر چشم انداز شاخصی از خواسته و توانایی حفظ طبیعت و فرهنگ شهر است، تعهد به حفظ ائتلاف فرهنگی و بیولوژیکی را در بر دارد و بنابراین حس یکپارچگی و کامل بودن تمام جوامع سالم را مشخص می کند. در واقع، معیاری از تعهد به کاربرد برابر منابع زندگی و انرژی است که به وسیله اخلاقیات هنر و علوم مورد نیاز برای متعادل ساختن نیازهای اصلی و سرمایه محدود منابع طبیعی تقویت شده است. آن توسط میل به تعلق داشتن و سکونت در مکان هایی شکل پیدا می کند که گرمای داشته می شود. (Jacobs, 2011)

روابط ادراکی و روابط عملکردی وجود دارد.

– کیفیت سکانس ها: کیفیت های موجود در هر سکانس که باعث تفکیک و ارتباط آن سکانس با بقیه سکانس ها می شود و نحوه ارتباط بین سکانس های همجوار.  
برخی از این کیفیت ها ویژگی هایی از یک نقطه یا محدوده ای از فضا می باشند که نه فقط بر استفاده کننده تأثیر روانی خاصی گذاشته، بلکه وی را به انجام یا عدم انجام رفتاری ترغیب می نمایند (پاکزاد، ۱۳۸۸).

### ادراک سافتار یا رابطه اجزای یک منظر

یکی از موارد مهم در ادراک یک پدیده، و از جمله ادراک یک منظر، ادراک ساختار آن منظر و دریافت قوانین شکل دهنده رابطه اجزاء آن است. موضوعاتی در زمینه ادراک ساختار یک منظر که در قلمروی حس بینایی واجد اهمیت هستند، عبارتند از:

– تجمع سازماندهی اجزاء: در پهنه میدان عمومی دید، باید توسط دقت ادراک بصری، میدانی روشن ایجاد شود که در پناه آن، ساختار منظر ادراک شود. در این میدان روشن که می توان آن را میدان دقت نامید، تعداد خاصی از اجزای منظر به صورت همزمان، واضح و روشن دیده می شوند، که این مجموعه را سامانه ساختاری منظر نامند.

– لزوم اثر گذاری و محرک بودن منظر و اجزای آن: با توجه به ظهور خستگی و کسالت انسان از نگرستن به یک تصویر ثابت برای مدتی طولانی، بهترین راه حل این مشکل ایجاد دگرگونی و تحول در تصویر و به عبارتی تحریک مناسب و معقول حواس از طریق تغییر در منظر است که به عنوان محرک ایفای نقش نموده است.

– استحکام سازمان فضایی: در ایجاد منظر و سازمان فضایی نیز، ضمن

پاسخگویی مناسب به نیاز فیزیولوژیک انسان ها و از جمله پاسخگویی به حس دقت و کنجکاوی و آرامش آنان، باید به نیازهای معنوی شان که از مرتبه و اهمیت بالاتری نیز برخوردار هستند، اندیشید. در واقع، همانقدر که جسم و وجهه مادی ذهن انسان اهمیت دارند و باید از کسالت ناشی از یکنواختی نجات داده شوند، ذهن و روان انسان نیز باید از مواجهه با یکنواختی مصون نگاه داشته شود.

– توجه به عوامل هدایتی ادراک محیط: عواملی وجود دارند که می توانند، ادراک انسان از محیط را به سمت کمال یا واقعیت، به آنگونه که هست، هدایت نموده و وی را از خطاهای نامطلوب ادراکی که در بسیاری موارد تبعات روانی و فیزیولوژیکی نامناسی نیز دارند، برهانند. نظیر حفاظت از تعادل طبیعت، حرکت، فاصله و استفاده از رموز، نمادها، نشانه ها و علامات.

– کاربرد قوانین هندسی در ادراک رابطه اجزای یک منظر: مهم ترین وسیله ای که می تواند ادراک انسان را در جهت دریافت و ویژگی های عناصر و اجزای طرح و رابطه آنها با یکدیگر در فضا را به ناظر القاء نماید، استفاده از قوانین هندسه و پرسپکتیو است (نقی زاده، ۱۳۸۶).  
به اعتقاد لینچ، درک نما و ظاهر محیط و منظر شهر بر اساس ۶ معیار صورت می گیرد که در جدول ۱ دسته بندی شده اند.

### زیباشناسی

واژه «استتیک»<sup>۲</sup>، به معنای «زیباشناسی» از لغت یونانی کلاسیک «استانستا»<sup>۳</sup>، به معنای «ادراک کردن» و «استتا»<sup>۴</sup>، به معنای «موضوعات ادراک شده» مشتق شده است. واژه «زیبایی شناختی» را اول بار «الکساندر بومگارتن»<sup>۵</sup> (۱۷۶۲-۱۷۱۴) در کتاب خود، تأمل

جدول ۱. معیارهای درک نما و ظاهر محیط و منظر شهر(ماخذ: لینچ، ۱۳۸۷)

تهییج	تهییج باید در محدوده ای قرار گیرد که مزاحم آسایش نشود. محیط نباید زیاد گرم یا سرد باشد، نه زیاد پر سر و صدا، نه مملو از اطلاعات توخالی، نه زیاد کثیف و نه زیاد تمیز.
تنوع در محیط	تنوع عاملی مهم در بسط قوه تمیز و شناسایی آدمی است. تنوع در محیط اختیار ساکنان محیط را در گزینش فعالیت مناسب خود افزایش می دهد و سبب می شود که ایشان بتوانند بر لذت خاطر خود به سبب تنوع و تغییر بیفزایند. مثال: باغ و پارکی منفرد، تنها و آرام در کنار خیابانی پر رفت و آمد و شلوغ.
هویت مکانی	مکان ها باید قابل شناسایی، خاطره انگیز، سر زنده و پر هیجان باشند. یک خیابان نباید شبیه هر خیابان دیگر باشد.
خوانایی	مناظر شهر باید طوری نظام یابند که ناظر معمولی بتواند آنها را در ذهن خود به یکدیگر پیوند دهد و الگوی آنها را در زمان و فضا بفهمد، هم در واقعیت و هم در خاطر.
حوزه نفوذ	می توان از صحنه ها و عوامل رؤیت پذیری استفاده کرد که پیام آور حوزه نفوذ و یا صحنه عملکرد باشد. این صحنه ها شامل عرصه های عمومی و عرصه های خصوصی و نیمه خصوصی می گردد.
ویژگی احساسی و روانی	محیط در پرورش و رشد ذهن، احساس و کالبد افراد به ویژگی در کودکی نقش مؤثر دارد.

و هالپرین رواج می یابد. متأثر از همین دیدگاه، و جنبش های هنری بعد از جنگ جهانی دوم، جنبش منظر شهر توسط «گوردن کالن»<sup>۸</sup>، سردبیر مجله «آرکیتکچرال ریویو»<sup>۹</sup> مطرح می شود. رویکرد کالن علیرغم بداعتش در زمینه ادراک زیبایی در حین حرکت، به دلیل تأکید بر جنبه های ادراکی / احساسی شخصی از تجربه منظر شهر مورد انتقاد قرار می گیرد. به تدریج زیباشناسی شهری از حوزه تأکیدات عینی و احساسی و تخصص گرایانه مربوط به کیفیات بصری یعنی فرم، رنگ و بافت به حوزه مطالعات ادراکی / ذهنی از محیط شهری انتقال یافت (امین زاده، ۱۳۸۹).

در مجموع، دو مکتب فکری تجربه زیباشناسی منظر شهر وجود دارد که با عناوین کل گرای و ادراکی شناخته می شوند و در جدول ۲ به تفکیک آورده شده اند.

بر این اساس، نظریات مختلفی در زمینه زیباشناسی منظر شهر وجود دارد که «نظریه گشتالت»<sup>۱۰</sup> یکی از مهم ترین آنها است. این نظریه بیان می نماید در ایده وحدت، یک چشم انداز واجد تمام عناصری است که به طور جداگانه سازمان داده شده اند و در عین حال محاط در یک کل می باشند، به طوری که «کل از جمع اجزا بزرگ تر است». چنین وحدتی نه تنها بیان هدف عمده ای از طراحی است، بلکه از اجزای مهم رویکرد گشتالت نیز به شمار می رود و در زیبایی منظر مهم است و به انسان کمک می کند تا به آنچه می بیند، معنا بخشد.

در باب شعر، در واکنش به فلسفه دکارت و علم مکانیستی نیوتن به کار برد. وی معتقد بود که جدا انگاشتن احساسات و ادراکات از دانش خطاست و دیگر آن که احساسات و ادراکات، به مثابه منطق دکارتی، به یکسان موجبات فهم درست واقعیت را فراهم می آورند. وی بر این باور بود که ارزش زیبایی شناختی اثر هنری را می توان با توجه به قابلیت آن در فراهم آوردن موجبات کسب تجاربی روشن برای مخاطبش سنجید (لیت، ۱۳۸۲).

واژه زیباشناسی به لذتی حسی نسبت داده می شود که حاصل تفکری انتزاعی یا تخصصی در مورد آثار هنری است. شناخت زیبایی اغلب با فرهنگ نخبگان و آنهایی که یاد گرفته اند آن را تحسین کنند، ارتباط نزدیکی دارد.

### زیباشناسی منظر شهر

مروری بر ادبیات زیباشناسی شهری در نیم قرن اخیر نشان می دهد چگونه مباحث زیباشناسی، از مقوله ای با تأکیدات بصری-هنری به مقوله ای با گرایش های ادراکی-معنایی تغییر جهت داده است یعنی تغییر از سبک پیتورسک به گرایشات معناشناسانه در زیباشناسی شهری. پیتورسک با تأکید معماری بر جنبه های بصری - هنری منظر از جمله توجه به کثرت و تنوع، مقیاسی انسانی، طبیعت گرایی و نظمی ارگانیک در فرم و ترکیب رنگ، توسط افرادی چون زیتنه، گیبرد،

جدول ۲. مکاتب فکری تجربه زیباشناسی منظر شهر

مکتب فکری تجربه زیباشناسی منظر	اندیشمند	نظریه
کل گرای	- ماری کارمن رز <sup>۸</sup> - آن کارلسون <sup>۹</sup>	- غالب کیفیات ادراکی، کامل و وابسته به هم بوده و به طور همزمان رخ می دهند (Carman Rose, 1976). - عوامل غیر ادراکی مانند شرایط فرهنگی، دانش علمی یا الگوهای از پیش تعیین شده نیز در غالب کیفیات ادراکی مشارکت دارند (Carlson, 2000).
ادراکی	- اف.ای. اسپارشات <sup>۱۰</sup> - ورنر نول <sup>۱۱</sup>	- هنگام ادراک منظره یا شیء، جنبه های زیبایی آنها موجب ایجاد لذت یا ناخوشایندی می شوند و ارزش گذاری های مثبت یا منفی از شیء یا منظر تنها کیفیت آن را از دید بیننده نشان می دهد (Sparshott, 1963). - قضاوت در مورد منظر یا شیء بر پایه دانسته ها و در چهارچوب فرهنگی یا تاریخی صورت نمی گیرد، بلکه تنها به این بستگی دارد که آن منظر یا شیء چگونه به نظر می رسد، چه صدایی دارد و چه احساسی را بر می انگیزاند. در این صورت درک از منظر در سطحی از ادراک متوقف می شود که حد قضاوت اولیه در مورد زیبایی را تعیین می کند (Sparshott, 1963). - نول معتقد است، شناخت زیبایی، فرآیندی ادراکی است که از مرحله عملکرد ذهنی و فعالیت حواس تا مرحله فعالیت های عملی و بروز الگوهای رفتاری ادامه می یابد. وی برای گستره این فرآیند ادراکی، چهار سطح مختلف ادراک زیبایی شناختی قائل می شود که عبارتند از: سطح ادراک حسی، سطح ادراک معنایی، سطح ادراک نشانه ای و سطح ادراک نمادین (Nohl, 2001). - بخش مهمی از ادراک زیبایی یعنی ادراک معنا، نشانه ها و نمادها، علاوه بر آنکه در ترجیحات زیباشناسی واجد اهمیت خاص اند، مشخص کننده خصوصیات ارتباط مردم با مکان نیز می باشند (Nohl, 2001).

## جدول ۳. نظریات زیباشناسی منظر شهر

نظریه پرداز	نظریه
یوریکو سیتو <sup>۱۴</sup>	زیبایی شناس معاصر آمریکایی، کیفیت ویژه ای را مطرح می کند که از تداخل عناصر حسی با جنبه های اجتماعی ایجاد می شود. این کیفیت تجربه ای از حس مکان است و اغلب می تواند به عنوان یک بعد قوی زیبایی به شمار رود، ولی نیازمند سطحی از آگاهی است و آگاهی و جنبه های اجتماعی، می توانند موجب ارتقای زیبایی از ادراک حسی اولیه به چیزی با معنا و ارزشمند شوند (Saito, 2010).
شریل فاستر <sup>۱۵</sup>	فیلسوف آمریکایی، در دکترین خود با نام زیباشناسی و محیط طبیعی، در مورد جزئیات تجربه زیبایی بررسی دقیقی کرده است. وی معتقد است تمرکز کل گرایان بر مسائل ادراکی و غیر ادراکی تأثیر ظاهر کالبدی محیط را تضعیف می کند. ظاهر، خصوصاً در زیبایی اجزای منظر، به ماهیتی کالبدی وابسته است که انسان جزئی از آن است. همچنین وی می نویسد ضعف دیگر دیدگاه کل گرایان آن است که اگر واکنش زیبایی انسان تحت تأثیر عواملی مانند آگاهی و آشنایی با مناظر قرار گیرد، تحسین مناظر جدید بسیار مشکل خواهد بود. وی درباره زیبایی می نویسد، به منظور مشارکت در فرم و فرایندهای طبیعت، باید ادراکات حسی از محیط اطراف افزایش یابد. این عمل شامل آگاه بودن از خود و در عین حال عدم توجه به احساساتی است که معمولاً در ارتباط با خودآگاهی به وجود می آیند (Foster, 1998).
آرنولد برلینت <sup>۱۶</sup>	فیلسوف آمریکایی می نویسد، اگرچه شرط لازم تجربه زیبایی فهم منظر از طریق حواس گوناگون است، تنها خود ادراک نیست که موجب ارتقای شناخت انسان نسبت به زیبایی می شود، بلکه قلمرو ادراکی است که آگاهی به زیبایی را افزایش داده و به درک آن شدت می بخشد (Berleant, 1997).
امانوئل کانت <sup>۱۷</sup>	فیلسوف آلمانی، در اواخر قرن هجدهم از زیبایی آزاد سخن می گوید. وی معتقد است که قضاوت در مورد یک منظر زیبا به مفاهیمی که ماهیت آن قضاوت را تعیین می کند، وابسته نیست. کانت در تعریف واژه های زیبایی و تعالی آنها را با همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن مرتبط می داند (Kant, 2000).
آرتور شوپنهاور <sup>۱۸</sup>	فیلسوف آلمانی، در اوایل قرن نوزدهم بین وجود یا عدم وجود «تمایل»، تمایز قائل می شود که می توان آن را به عنوان علاقه خودآگاه نسبت به منظر تفسیر کرد. به اعتقاد وی، اگر منظر واجد چیزی باشد که وی آن را «ایده» می نامد، می توان یک حس قوی از زیبایی به دست آورد. این ایده را می توان به ماهیت آن منظر یا روح مکان <sup>۱۹</sup> تفسیر کرد. شوپنهاور زیبایی را در منظری می بیند که اشیا در آن کاملاً جدا، متمایز و متنوع اند. ولی همزمان اشیا به صورت پیوسته و متوالی ظاهر می شوند. وی معتقد است ارتباط بین اجزا نوعی زیبایی به وجود می آورد که بسیار فراتر از آن گونه زیبایی است که از خود اجزا ناشی می شود (Jacquette, 2005).
آلفرد نورت وایتهد <sup>۲۰</sup>	فیلسوف و ریاضی دان انگلیسی اوایل قرن بیستم معتقد است احساس زیبایی در نتیجه ادراکات مثبت حاصل می شود و زشتی حاصل ادراکات منفی است. این مسأله منجر به بازشناسی دو حد بالا و پایین زیبایی می شود. حد پایین زیبایی به معنای عدم سازگاری یا عدم تعادل مشخصی در منظر نیست، ولی با این حال حواس انسان به مقدار کافی تحریک نمی شود. برای ایجاد حد بالای زیبایی، وجود حد پایین آن، که حد بالا بر آن استوار است، ضرورت دارد. حد بالا شامل یک یا چند تباین در بین آن دسته از عوامل ادراکی است که به شدت احساسات را بر می انگیزاند. وایتهد اولی را «بزرگی» یا حضور جزئیات متفاوت با تباین مؤثر می خواند. بزرگی، در طیفی از مقیاس های متفاوت، تنوع یا پیچیدگی را نیز در بر می گیرد. عامل دوم، «شدت» نام دارد و به معنای بزرگنمایی قیاسی، بدون توجه به تنوع جزئیاتی است که موجب بزرگی می شوند. در جایی که بزرگی و شدت با هم وجود داشته باشند، شکلی از نظم یا وحدت را می توان مشاهده کرد. بر اساس نظریه وایتهد، جذاب ترین ها یا زیباترین الگوها آنهایی هستند که واجد بزرگی و شدت اند. وایتهد از اوج بزرگی و شدت در بالاترین حد آن با واژه «قدرت» یاد می کند که از برخی لحاظ شبیه به خصوصیتی است که در منظری جذاب و واجد حس قوی مکان وجود دارد (Kaplický, 2007).
آلدو لئوپولد <sup>۲۱</sup>	در اوایل قرن بیستم، آلدو لئوپولد، آمریکایی معروف طرفدار حفاظت از محیط زیست، به بسط زیبایی اکولوژیکی مبادرت ورزید تا بدین وسیله بتواند در نحوه تغییر منظر تأثیر مثبت داشته باشد. دیدگاه وی بر اخلاقیات محیطی متکی است. لئوپولد مدعی است «هر چه که در جهت تمامیت، ثبات و زیبایی اجتماعات زنده عمل کند، درست است و آنچه بر ضد این باشد، غلط است» (Flannery, 1999).
آندرو برنان <sup>۲۲</sup>	دیدگاه منحصر به فرد آلدو لئوپولد، علم و هنر را به عنوان اجزای اصلی رسیدن به کاربرد متغیر محوطه سازی در هم آمیخته است. همانطوری که وی بیان نمود، زیبایی یک جزء اصلی از عشق، احترام و تحسین زمین است (Jacobs, 2011).
آندرو برنان <sup>۲۳</sup>	وی معتقد است انسان علاوه بر اینکه قسمتی از دنیای فرهنگی است، بخشی از دنیای طبیعی نیز محسوب می شود. اگر انسان در تماس بیشتری با واقعیات اکولوژیکی دنیا باشد، زندگی مفیدتر و کامل تری خواهد داشت، در نتیجه هویت مکان اهمیت زیادی پیدا می کند. نکته مهم این است که به جای آنکه دنیا را با یک توده از اشیا بی منفرد و جدا ببینیم، آن را به منزله یک محیط کامل در نظر داشته باشیم (همبستگی). به این ترتیب با فهم خصوصیات محیط می توان بین اخلاقیات و زیباشناسی رابطه برقرار کرد. لازمه این کار توانایی تشخیص ارتباط بین خصوصیات کل (وحدت) با خصوصیات اجزا (کثرت) است (Brennan & Y.S.Lo, 2010).
ایان مک هارگ <sup>۲۴</sup>	محیط شایسته به جایی گفته می شود که، به همان صورتی که هست، با حداقل کار در جهت ایجاد سازگاری، حداکثر نیازهای مصرف کننده را تأمین کند (مک هارگ، ۱۳۸۶).
ماپاز گالیندو <sup>۲۵</sup>	وی معتقد است بین معانی محیطی و زیباشناسی شهری ارتباط وجود دارد و متغیرهایی مانند غنای بصری، روشنایی، تاریخ مکان و گشایش فضایی متغیرهای مکان های زیبا و معنی دار هستند (Galindo, 2005 & Hidalgo, 2005).
جی اپلتون <sup>۲۶</sup>	نظریه بقای اپلتون در ترجیحات زیبایی به وجود ارتباط بین شرایط مناسب برای بقا و زیبایی اشاره می نماید (Appelton, 1984).
استفان کاپلان <sup>۲۶</sup>	نظریه تکاملی کاپلان بر اطلاعات مردم و میزان آشنایی با منظر، جهت یابی و کشف اطلاعات جدید در ترجیح زیبایی تأکید دارد (Kaplan, 1987).



واژه گشتالت در آلمانی هم به معنی «شکل» و هم «خصوصیت شکل» است. روان‌شناسی گشتالت یکی از مهم‌ترین نظریات برای توضیح چگونگی تشکیل تصاویر پیچیده با استفاده از تشخیص لبه و خطوط اصلی در طرح اولیه است. روان‌شناسان آلمانی، به ویژه ولفانگ کهلر<sup>۲۳</sup>، ایده‌هایی ارائه داده‌اند مبنی بر آنکه انسان برای تشخیص نظم در تصاویر، چگونه شکل را به همراه مجموعه‌ای از سایر خصوصیات فضایی تشخیص دهد. اولین خصوصیت فضایی، «شکل و زمینه» است که در آن یک «جزء» به صورت یک «شیء» جدا از بقیه منظر یا حداقل محیط بلاواسطه خود تلقی می‌گردد. ادراک یک شیء به صورت سه بعدی به شکل، رنگ، بافت و موقعیت آن نسبت به زمینه بستگی دارد. از لحاظ ساماندهی فضایی تصویر، «مجاورت» عناصر بصری موجب می‌شود که ادراک آنها، مخصوصاً هنگام یکسان بودن از لحاظ شکل، رنگ، بافت، جهت یا مکان به صورت مجزا از یکدیگر باشد (گروتز، ۱۳۸۶).

علاوه بر نظریه گشتالت، نظریات دیگری نیز در رابطه با زیباشناسی منظر شهر وجود دارد که در جدول ذیل به آنها پرداخته شده است. در این نظریات به تمام جنبه‌ها و کیفیات زیباشناسی منظر شهر توجه شده است.

پس از اشاره به نظریات مختلف راجع به جنبه‌های مختلف زیباشناسی منظر شهر در قالب نظریه گشتالت و نظریات صاحب‌نظران در جدول فوق، به رویکرد کالن درباره این مهم پرداخته می‌شود. وی معتقد است، موارد ذیل از عوامل اصلی تشکیل دهنده منظر شهری زیبا محسوب می‌گردند:

– دیدهای متوالی در طراحی فضا؛ دیدهای پیاپی، احساس و تصور ذهنی از مکان و مضمون درک شده از فضا، سه عامل اصلی ارتباط شخص با فضا محسوب می‌شود.

– اجزاء مؤثر جداره فضا در غنا بخشیدن به محیط شهری: رنگ، بافت، مقیاس، سبک، ویژگی، سرشناسی و منحصر به فرد بودن، وحدت، جاذبه مفهومی (معنا)، تباین فضایی، پیوستگی فضایی.

– مؤلفه کیفیت در طراحی فضای شهری: تجربی – زیبایی‌شناختی، تأکید بر بعد کالبدی محیط (جبرگرایی کالبدی) در کنار تأکید بر هماهنگی فرم و عملکرد.

– دیدگاه نسبت به نقش مخاطب: کثرت گرا (کالن، ۱۳۸۲).

علاوه بر عوامل اصلی تشکیل دهنده منظر شهری زیبا، پنج معیار عام زیباشناختی (تنوع، ترکیب، ابهام، تداعی و معنا)، که در زیباشناسی طبیعت و زیباشناسی هنر نیز کاربرد دارد، به اختصار مطرح می‌شود و کارکردهای آنها با توجه به ویژگی‌های زیباشناسی منظر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

– تنوع و پیچیدگی<sup>۲۷</sup>: وجود تنوع، پیچیدگی و تضاد در محیط، باعث

تحریک حواس، کنجکاوی و تخیل می‌گردد و بنابراین به احساس اشتیاق و لذت کشف منجر می‌گردد. بر عکس، هر نوع یکنواختی و یکسانی، به عدم تحرک ذهنی یعنی احساس ملال و کسالت می‌انجامد. – ترکیب بندی<sup>۲۸</sup>: از عوامل اصلی پیدایش کیفیت زیبایی در منظر شهر است. از طریق ترکیب ویژه عناصر و اجزای پراکنده و بی‌معنا، واقعیت جدیدی آفریده می‌شود که برای حواس انسان قابل درک و معنادار می‌گردد. ترکیب بندی خود واجد معیارها و موازین مختلف نظیر تناسب، هماهنگی، تعادل و مقیاس است که هدف اصلی آن نظم بخشی به جهان بیرونی و تجلی آن در روان انسان است. در منظر شهر، ترکیب بندی در مقیاس وسیع، به عنوان نحوه انتظام مجموعه عناصر کالبدی، انسانی، اجتماعی، فضایی و نمادین مطرح است.

– ابهام<sup>۲۹</sup>: یکی از ویژگی‌های ادراک انسانی است، که تا حد معین، موجب تحریک حواس، کنجکاوی و انگیزش عواطف می‌شود. از دیدگاه روان‌شناسی می‌توان گفت که ابهام، ذهن را به کشف ناشناخته‌ها و بازی تخیل و رؤیاپردازی می‌کشاند که خود مایه شور و اشتیاق و لذت درونی می‌گردد. در عرصه منظر شهر، پدیده ابهام در متن خوانایی کل شهر تا آنجا که مخمل شناخت عمومی محیط نباشد، به جاذبه فضایی کمک می‌کند.

– انگیزش تداعی و خاطره<sup>۳۰</sup>: تداعی یکی از قوانین و نیروهای مهم روان‌شناختی است که از طریق یادآوری و احیای خاطره‌ها، میان انبوه تصاویر ذهنی و ادراکات حسی رابطه برقرار می‌کند و باعث تحریک و خلاقیت در دنیای ذهنی آدمی می‌شود. در واقع یکی از جاذبه‌های زیبایی، این است که با تحریک ذهن خودآگاه و ناخودآگاه و انگیزش خاطرات، انسان را از فضای محدود زیستی به فضای نامحدود حسی می‌برد.

– معنا<sup>۳۱</sup>: حس معنا یکی از ویژگی‌های مغز و اندیشه انسانی است که در هر پدیده‌ای به دنبال معنا می‌گردد. انسان همانطور که برای واژه‌ها، اشیاء و فعالیت‌ها مفهوم، تعریف و معنایی قائل است برای محیط نیز در جستجوی مقصود و معنایی است. بدون رسیدن به حس معنا در محیط و فضا، انسان احساس ناشناختگی، غریبگی و بی‌معنایی می‌کند و بنابراین نمی‌تواند به احساس لذت، اشتیاق و آرامش دست یابد (ویتیک، ۱۳۸۵).

## نتیجه‌گیری

زیبایی منظر شهر، زمانی حاصل می‌گردد که شکل، مقیاس و زیبایی ساختمان‌هایی که شریک در ایجاد این منظر هستند، مورد تمجید قرار گرفته شوند. از تغییرات غیر منتظره در آن پرهیز شود

آن، ساختمان‌ها، خیابان‌ها و فضاهایی که در فرم و شکل فضایی آن مؤثر هستند، بسیار ماهرانه صورت گرفته است. در واقع منظر شهری زیبا به مثابه جمله‌ای است که واجد ساختار علمی بوده و معنی کامل زمانی از آن استنتاج می‌گردد که قواعد و ارتباط لازم بین کلمات

و در مقابل از دست دادن ساختمان‌های آشنا و ارزشمند در شهر مقاومت شود. در واقع، منظر شهری زیبا واجد چیزی بیش از مجموعه ساختمان‌ها و فضاهای غیر ساخته شده است و دارای محیطی واجد حال و هوای محلی است. به طوری که پهلوی هم‌گذاری اجزاء سازنده

جدول ۴. عناصر و کیفیت‌های منظر شهری زیبا

کیفیت مترتب بر نظم	کیفیت مترتب بر ایجاد تصویر ذهنی	ذهنی	جنبه‌های کیفی عناصر سازنده منظر شهری زیبا
کیفیت مترتب بر توازن	کیفیت مترتب بر ادراک		
کیفیت مترتب بر ظرافت	کیفیت مترتب بر نقش‌انگیزی		
کیفیت مترتب بر مبالغه	کیفیت مترتب بر نوآوری و خلاقیت		
کیفیت مترتب بر استعاره	کیفیت مترتب بر ترکیب		
کیفیت مترتب بر تمثیل	کیفیت مترتب بر وحدت		
کیفیت مترتب بر طنز	کیفیت مترتب بر هماهنگی		
کیفیت مترتب بر ابهام	کیفیت مترتب بر ضرب		
کیفیت مترتب بر پیچیدگی	کیفیت مترتب بر تداوم		
کیفیت مترتب بر شگفتی	کیفیت مترتب بر تجرید		
کیفیت مترتب بر لذت	کیفیت مترتب بر تضاد		
- تناسب - مقیاس - بافت - رنگ	- شکل و زمینه - طرح - قوانین هندسی - مجاورت	عینی	کیفیت‌های فضایی منظر شهری زیبا
- کنترل توده و حجم بنا - کنترل ارتفاع	- ارتباطات بصری - ارتباطات فرمی	- هماهنگی / عدم هماهنگی - وحدت / عدم وحدت - تنگی / گشادگی	جنبه‌های کیفی ارتباط بین عناصر سازنده منظر شهری زیبا
انسجام	یکپارچگی	وحدت بصری	
تجانس	تناسب	یکمرتبیگی	
تقابل	تضاد	تباين	
ضرباهنگ	وزن	ریتم	
تکرار	تداوم	توالی	
قابل رؤیت بودن	وضوح	خوانایی	
انسداد	تمرکز	تأکید	
تراکم	تنش	شدت	
تفوق	تقارن	تعادل	
مزیت	سازگاری	سلسله مراتب	
اندازه، شکل، تداوم، ارتفاع بدنه، کف‌سازی، ویژگی‌های بناهای پیرامون		محصوریت	جنبه‌های کیفی عناصر سازنده منظر شهری زیبا با زمینه و متن شهرسازی
ساختمانها و اجزای ساخته شده شهر			
اثاثیه شهر	راه‌ها		
تأثیر فعالیت‌های چیره شهر	فضاها		
تأثیر خصوصیات سینتیک شهر	مناظر ساخته و پرداخته دست آدمی		
تأثیر صدا و بو	مناظر و عوامل طبیعی		
حس مکان			



16. Arnold Berleant
17. Immanuel Kant
18. Arthur Schopenhauer
19. Genius loci
20. Alfred North Whitehead
21. Aldo Leopold
22. Andrew Brennan
23. Ian L. McHarg
24. Ma Paz Galindo
25. Jay Appelton
26. Stephen Kaplan
27. Diversity
28. Composition
29. Ambiguity
30. Association
31. Meaning

### فهرست مراجع

۱. امین زاده، بهناز. (۱۳۸۹). ارزیابی زیبایی و هویت مکان. هویت شهر، ۵ (۷)، ۳-۱۴.
۲. بل، سایمون. (۱۳۸۶). منظر الگو، ادراک و فرآیند، (بهناز امین زاده، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۲). سیما و منظر شهری، تجارب جهانی و چشم انداز آینده. مجموعه مقالات همایش بین المللی نگاه نخست. زمستان ۱۳۸۲. تهران.
۴. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۸). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
۵. حبیب، فرح. (الف ۱۳۸۵). کندوکاوی در معنای شکل شهر. هنرهای زیبا. ۲۵، ۵-۱۴.
۶. حبیب، فرح. (ب ۱۳۸۵). طراحی منظر شهر در گذر تاریخ. آبادی، ۱۶ (۵۳)، ۴۸-۵۳.
۷. کالن، گوردون. (۱۳۸۲). گزیده منظر شهری. (منوچهر طبیبیان، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. گروت، یورگ کورت. (۱۳۸۶). زیبایی شناسی در معماری. (جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. گلکار، کوروش. (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار. علوم محیطی، ۵ (۴)، ۹۵-۱۱۴.
۱۰. لیت، کالین. (۱۳۸۲). تجربه زیبایی شناختی، (ترجمه فرزانه علیا). فرهنگستان هنر، ۷.
۱۱. لینچ، کوین. (۱۳۸۱). سیمای شهر. (منوچهر مزینی، مترجم).

مراعات شده باشد. جدایی این اجزاء از یکدیگر بدون معنی و مفهوم بوده و مانند تابلوهایی است که در یک نمایشگاه به صورت مجزا به نمایش گذارده شده باشند. به عبارت دیگر در نظر مردمی که در آن به زندگی و کار مشغول هستند، محیط شهری فضایی است واجد سرزندگی، تحرک و جنب و جوش.

در خاتمه، منظر شهری زیبا است که می‌تواند به انسان‌ها فرصت زیستن بدهد و واجد هیجان و نظم، شادی و آرامش، رؤیا و سکوت باشد. با حرکت در شهری با منظر شهری زیبا، چشمان انسان با دیدن خطوط هماهنگ ساختمان‌ها و نماهای زیبا به نگاهی حاکی از رضایت می‌رسد. منظر شهری زیبا هراس، دلهره و اضطراب به همراه نمی‌آورد، با طبیعت در آمیخته است و نسبت میان فضاها طبیعی و سبز با بافت ساختمانی، انسان را به گشت و گذار در شهر بر می‌انگیزاند. بر اساس مطالب ارائه شده در بخش‌های مختلف این تحقیق و نیز نظریات صاحب‌نظران مقوله منظر شهر و نیز زیباشناسی منظر شهر، معیارهای زیباشناسی در منظر شهر در قالب جدول ۴ و در سه بخش جنبه‌های کیفی عناصر سازنده منظر شهری زیبا، جنبه‌های کیفی ارتباط بین عناصر سازنده منظر شهری زیبا و جنبه‌های کیفی عناصر سازنده منظر شهری زیبا با زمینه و متن شهرسازی تدوین گردیده و بیانگر این است که معیارهای زیباشناسی منظر شهر بسیار پویا، متنوع، نسبی و تغییر پذیر است، همچنین این تحقیق بین معانی محیطی و زیباشناسی شهری، ارتباط برقرار می‌نماید و متغیرهایی مانند غنای بصری، روشنایی، حس مکان و گشایش فضایی را به عنوان متغیرهای منظر شهری زیبا و معنی دار معرفی می‌کند.

### پی‌نوشت‌ها

1. Cityscape
2. Aesthetics
3. Aisthanesthai
4. Aisthteta
5. Alexander Gottlieb Baumgarten
6. Gordon Cullen
7. Architectural Review
8. Mary Carman Rose
9. Allen Carlson
10. F. E. Sparshott
11. Werner Nohl
12. Gestalt Theory
13. Wolfgang Kohler
14. Yuriko Saito
15. Cheryl Foster

24. Carman Rose, M. (1976). The Importance of Hume in the History of Western Aesthetics. *British Journal of Aesthetics*, 16, 3.
25. Flannery, Maura C. (1999). The Conservation Aesthetic and the Microscopic Aesthetic. *BioScience*, 49, 10, 801-808.
26. Foster, Ch. (1998). The Narrative and the Ambient in Environmental Aesthetics. *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, 56, 2.
27. Galindo, M. P., & Hidalgo, M. C. (2005). Aesthetic Preferences and the Attribution of Meaning. *International Journal of Psychology*, 40, 1.
28. Garré, S., Meeus, S. & Gulinck, H. (2009). The dual role of roads in the visual landscape: A case-study in the area around Mechelen (Belgium). *Landscape and Urban Planning*, 92, 125-135.
29. Jacobs, J. (1961). *Death and Life in Great American Cities*. New York: Random House.
30. Jacobs, P. (2011). Where have all the Flowers Gone. *Landscape and Urban Planning*, 100, 318-320.
31. Jacques, D. (2005). *The Philosophy of Schopenhauer*. Chesham, UK: Acumen.
32. Kant, I. (2000). *Critique of the Power of Judgment*. The Cambridge Edition of the Works of Immanuel Kant. Cambridge: Cambridge University Press.
33. Kaplan, S. (1987). Aesthetics, Affect, and Cognition: Environmental Preferences from an Evolutionary Perspective. *Environment and Behavior*, 19, 3-32.
34. Kaplický, M. (2007). Aesthetics Bridging Cultures on *Aesthetic Experience in Philosophical Works of Alfred North Whitehead*. International Congress of Aesthetics, Czech Republic.
35. Nohl, W. (2001). Sustainable Landscape Use and Aesthetic Perception - Preliminary Reflections on Future Landscape Aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, 54, 223-237.
36. Saito, Y. (2010). *Everyday Aesthetics*. Oxford: Oxford University Press.
37. Sparshott, F. E. (1963). *The Structure of Aesthetics*. Toronto: University of Toronto Press.
- تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. لینچ، کوین. (۱۳۸۷). طرح شهر و نما و ظاهر شهر، مقالاتی در باب شهر و شهرسازی، (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. مک هارگ، ایان. (۱۳۸۶). طراحی با طبیعت. (عبدالحسین وهاب زاده، مترجم). مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۱۴. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۶). ادراک هویت و زیبایی شهر در پرتو تفکر اسلامی. اصفهان: شهرداری اصفهان.
۱۵. ویتیک، آرنولد. (۱۳۸۵). مبانی زیبایی شناسی در محیط شهری، (ترجمه جواد مهدیزاده). جستارهای شهرسازی، ۵(۱۷ و ۱۸)، ۲۸-۳۹.
16. Appleton, J. (1984). Prospects and Refuges Revisited, *Landscape Journal*, 3, 91-103.
17. Berleant, A. (1997). *Living in the Landscape: Toward Aesthetics of Environment*. Lawrence: University Press of Kansas.
18. Berleant, A., & Carlson, A. (2007). *The Role of Aesthetics in Civic Environmentalism*. Included in *The Aesthetics of Human Environment*, eds. Broadview Press.
19. Brennan, A., & Y. S. Lo (2010). *Understanding Environmental Philosophy*. Durham: Acumen.
20. Bulut, Z., & Yilmaz, H. (2008). Determination of landscape Beauties through Visual Quality Assessment Method: A Case Study for Kemaliye (Erzincan/Turkey). *Environ Monit Assess*, 141, 121-129.
21. Bulut, Z., & Yilmaz, H. (2009). Determination of waterscape beauties through visual quality assessment method. *Environ Monit Assess*, 154, 459-468.
22. Cabe & Detr (2001). *The Value of Urban Design*. London: Thomas Telford Ltd.
23. Carlson, A. (2000). *Aesthetics and the Environment*. London: Routledge.